

محمد مهدی مهربان  
پژوهشگر حکمرانی و سیاست‌گذاری علم و فناوری

طی هفته‌های گذشته کارشناسان زیادی تلاش کردند تا جنبه‌های قومیتی آرای مردم در انتخابات اخیر را پررنگ کرده و از کنار مساله گفتگمانی آن به سادگی عبور کنند. گروهی حتی تلاش کردند برای نامزد شکست خورده پیروزی گفتگمانی قائل شده و پیروزی رقیب را تقلیل دهند. این مقاله تلاش می‌کند تا در لایه‌های مختلف به مسائلی گفتگمانی و قومیتی انتخابات بپردازد و نحوه مواجهه مطلوب حکمرانی با آن را تبیین کند. لازم به توضیح است که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ سه گفتگمان با هم رقابت جدی داشتند؛ گفتگمان آزادی و عدالت به نمایندگی پزشکیان، گفتگمان عدالت و کارآمدی به نمایندگی جلیلی و گفتگمان پیشرفت و کارآمدی به نمایندگی قالیباف که درنهایت گفتگمان آزادی و عدالت پیروز شد. نکته قابل تامل اینکه اگر از مردم عادی درباره گفتگمان پرسش شود حتی شاید نتوانند ۱۰ کلمه درباره آن صحبت کنند، اما با آن زندگی می‌کنند و مفاهیم را درون آن ادراک کرده و براساس آن تصمیم می‌گیرند.

### گفتگمان کارآمدی و پیشرفت

اولین گروهی که باید از نتایج انتخابات درس بگیرند، طرفداران گفتگمان کارآمدی و پیشرفت هستند. کارآمدی و حتی توسعه و پیشرفت اصلانما مفاهیمی تخصصی، دانشگاهی و اندیشکده‌ای هستند. نمی‌توان توقع داشت همان درکی که کارشناسان، برنامه ریزان و متخصصان از کارآمدی و توسعه دارند را عموم مردم نیز داشته باشند یا به دلیل پرستیژی و کارنامه همراه با آبدانی کاندیدایی خاص، از کارآمدی که وعده می‌دهد نیز استقبال کنند. کارآمدی و پیشرفت مفاهیمی تخصصی و عارضی هستند که به صورت مستقل در عرصه عمومی کمتر قابل درک و سنجش هستند و عموم مردم آن را در پس‌زمینه‌های (Context) ارزشی مانند، آزادی و عدالت درک می‌کنند. این مفاهیم در زمان‌های مختلف و در پس‌زمینه آزادی و عدالت، تفسیرهای مختلفی در ذهن مردم پیدا می‌کند. معمولاً مردم کارنامه سرشار از آبدانی را در پس‌زمینه مبارزه با فساد، توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها، آزادی‌های مدنی، رواداری با مخالفان و امثال آن درک می‌کنند. از سوی دیگر گفتار کارآمدی به دلیل ماهیت تخصصی اش، از بالا به پایین و در مقام دانشمند-عالمی تعریف شده و تصویری از «من صاحب تخصص و تشخیصم و دیگران پیرو» ارائه می‌دهد. اما صحنه انتخابات نقطه مقابل این صورتبندی است. در انتخابات مردم هستند که باید بر مایملک خود یعنی حاکمیت، اعمال اراده کنند؛ پس تشخیص مردم ملاک است. آنها پیشرو هستند و نامزدها باید نامیده خواسته‌های آنها باشند، مردم بالا هستند و نامزدها در کنمای رای آنها هستند؛ درک این صورتبندی، زمین بازی سیاست‌ورزی مبتنی بر کارآمدی و توسعه را به‌طور کلی منتهی می‌کند. گفتگمان کارآمدی و پیشرفت به تنهایی نمی‌تواند جذابیت قابل درکی برای مردم ایجاد کند، زیرا به صورت طبیعی عموم مردم با مباحث تخصصی کمتر ارتباط می‌گیرند، نه جزئیات برنامه‌ها را می‌توانند ارزیابی کنند، نه ادعاهای مرتبط با کارنامه و نام‌آرهای ادعایی را؛ از این رو شکست کمپین قالیباف در دوره‌های مختلف انتخاباتی قابل درک است. در این دوره نیز همانند گذشته، کارنامه آبدانی وی و تسلط‌طلبی بر برنامه هفتم توسعه در کنار گفتار و ارتباطگیری رسمی و تخصص‌ش، نتوانست نسبت لازم را با ارزش‌های قابل درک مردم برقرار کند، یا هنگامی که برقرار می‌کرد به دلیل حجمه‌های مخالفان در پس‌زمینه تبعیض و بی‌عدالتی، تفسیر و تاولیل می‌شد، زیرا وی هیچ گفتار ایجابی منسجمی در پس‌زمینه آزادی و عدالت نداشت و نمی‌توانست ذیل آن، گفتار ساده و قابل فهمی را برای برقراری ارتباط با مردم ارائه کند.

### گفتگمان عدالت و کارآمدی با عدالت و پیشرفت

دومین گفتگمانی که در انتخابات نقش آفرینی کرد، گفتگمان عدالت و کارآمدی بود. این گفتگمان که حداقل از زمان دولت اول احمدی‌نژاد در سپهر سیاسی کشور فعال بوده، با دو چالش عمده روبرو بود. اولین چالش، مساله کارنامه بود، البته نه آنگونه که رقبای به عنوان بی‌کارنامگی جلوه می‌دادند. اتفاقاً از نظر آحاد مردم ایشان کارنامه محقق شده قابل تفسیری داشتند؛ به این معنا که ۱۱ سال نقش آفرینی صاحبان این گفتگمان در دولت‌های نهم، دهم و سیزدهم و همچنین نقش آفرینی جلیلی در ششم و دولت سایه، برای مردم قابل تفسیر و تاولیل بود. برخی تناقضات از-جمله سبزه برخی فسادها مثل چای دیش و بابک زنجانی، برخی تبعیض‌ها در تخصیص مناصب و امکانات، آقاآزاده‌بازی‌ها، دامادبازی‌ها و فیل‌بازی‌ها و باندبازی‌ها، تا عدم تحمل و تعامل با همکاران و همه‌جبهه‌ای‌ها و طرف‌انها(از احمدی‌نژاد گرفته تا لاریجانی... و...) موارد دیگر، همگی در مقابل مردم انجام شده و آنها را به تأمل وامی‌داشت که افرادی که با شعار عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد روی کار آمدند، چه تفاوتی با دیگران داشتند؟

هرچند شاید راهرین این گفتگمان معتقد باشند که در مقام عمل عادلانه‌تر و کارآمدتر از رقبا عمل کرده‌اند، اما «ترویج نوعی گفتار آرمانگرایانه از عدالت‌خواهی» بدون توجه به واقعیت‌ها و ظرفیت‌های ساختاری و انسانی، ذهن مردم را چنان درگیر کرده بود که به سرعت هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی را نشانه‌نتناقض و عدم صداقت تفسیر می‌کردند. مردم متوجه بودند وزیر ناکاربدلی که عدد و رقم را درک نمی‌کند و به دلیل ناکارآمدی عزل می‌شود به جای بازگشت به دانشگاه، به‌یکباره سر از سازمان بزرگ و مهم دیگری درمی‌آورد و در ستاد عدالت‌خواهان نیز نقش محوری دارد. همین کشمگیری‌های مدیریتی سیاسی کافی بود تا مردم کارآمدی و عدالت‌خواهی آرمانگرایانه منظر این جریان را فاقد صداقت ببینند و دوگانه «دیو-دلبر، روحانی-رتیبی» را نیز فاقد اصالت واقعی تفسیر کنند.

اما چالش اصلی‌تر این گفتگمان، عدم ارائه هرگونه تبیین از آزادی و پذیرش تنوع بود. اهمیت این موضوع کلیدی هنگامی روشن می‌شود که بدانیم عدالت در پس‌زمینه آزادی و آزادی در پس‌زمینه عدالت، و کارآمدی در پس‌زمینه این دو قابل درک هستند. عدالت بدون آزادی و آزادی بدون عدالت، ماهیت اسلامی و رابطه‌شان را با ارزش‌های انقلاب اسلامی از دست می‌دهند. راهبران گفتگمان کارآمدی و عدالت سال‌هاست هیچ‌گونه گفتار ایجابی نمای‌آفرینی درباره آزادی، پذیرش تنوع، انسجام آفرینی، حاکمیت قانون و پاسخگویی نداشته‌اند. گویی انقلاب و جمهوری اسلامی ملک طلقی است که سند شش دانگش به نام ایشان خورده است. گویی آنها خود انقلابند و انقلاب خود آنها است و این خود انقلاب‌پنداری مانیع بر سر پذیرش دیگران و تعامل با ایشان است. مردم این را درک می‌کنند که اگر تفاوت‌ها پذیرفته و به رسمیت شناخته نشود، دایره انقلابی‌ها فقط به طرفداران چند کانال انبساطی و اطرافیان ختم خواهد شد. مردم خود را مالک انقلاب می‌دانند، مالک کشور و حاکمیت می‌دانند و از عدم پذیرش تنوع و تفاوت‌هایشان ناراحت می‌شوند. آنها می‌فهمند دایره مردمان مورد اعتماد این جریان آنقدر تنگ شده است که حتی علمای اخلاق و بزرگان مقاومت هم در آن نمی‌گنجند. وقتی دایره عدم پذیرش تنوع اینقدر گسترده و حلقه معتمدان اینقدر تنگ می‌شود، وقتی بعضی از همراهان این جریان مالکیت مملکت را برای خودشان سند زده و دیگران را به شهر فرنگ

# تحلیل گفتگمان‌های انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم

■ «آزادی و عدالت برای آبدانی» یا «آبدانی برای عدالت و آزادی»؛ کدام پیشرفت و کارآمدی است؟



گفتند. آنها با وجود یک کاندیدای آذری‌زبان و گفتار وی، احساس کردند قرار است دیده و شنیده شوند، نه اینکه با توهم ایرانشهری، باستان‌گرایی و قرائت تنگ‌نظرانه از اسلام، نفی شوند. در همین راستا، به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین پیروز این انتخابات برساخت تمدنی ایرانی-اسلامی بود. مشارکت بالای ۵۰درصد بسیاری از استان‌های مرزی به معنای نفی هرگونه تجزیه‌طلبی بود. این یعنی

ایران در جان و دل مردم است و تنوع‌قومی‌شان را در زمینه و زمانه ایرانی دوست می‌دارند. فرصت مشارکت پرشور اقوام در این انتخابات، فرصت بازسازی برساخت ایرانی در پس‌زمینه درک و پذیرش تنوع اقوام و مذاهب آن است. تمایز گفتار «پذیرش تنوع» پزشکیان با روایت سازی‌های باستان‌گرایی و ایران‌شهری در این بود که وی آن را در پس‌زمینه نهج‌البلاغه اسلامی تأویل و تفسیر کرد. نسخه متفاوتی از پذیرش تنوع که در آن کرامت انسانی با عدالت‌خواهی علوی و آزادیخواهی حسینی معنای‌اش شود. در اینجا گرچه «پذیرش عرف» دایره‌گسترده و شمولیت فراگیری دارد، اما بر پایه اصول و ارزش‌های الهی و اسلامی پایه‌گذاری شده است. این تفاوت باید توسط صاحب پرچم زنده نگه‌داشته شود و گرته در میانه کارزارهای سیاسی، دزدان آفرین زده‌ای هستند که نسخه‌های بدلی را بفرشند و حرکت را به بیراهه بکشانند.

### صندوق رأی و تصویربرداری پیشرفت

اما پیسوز دیگر این انتخابات، صندوق رأی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماد «حق انتخاب مردم» بود. این انتخابات رأی اعتماد مجدد به صندوق رأی و حق انتخاب برآمده از انقلاب اسلامی مردم ایران بود. در طی ۵ ماه، مهم‌ترین ارکان قدرت از خیرگان رهبری تا مجلس شورای اسلامی تا ریاست جمهوری با انتخاب مردم و از دل صندوق‌های رأی تثبیت شدند. در منطقه غرب آسیا که بسیاری از ملت‌ها تاکنون رنگ و شکل صندوق رأی را ندیده‌اند، کشوری و نظامی وجود دارد که همه نهادها و ارکان قدرت‌ش با رأی برآمده از مردم مشروعیت می‌یابد. شاید این موضوع برای مخالفان ایرانی چندان به چشم نیاید اما دنیایی که آن را زیبرون مشاهده می‌کند، مجبور است به این عظمت مردم‌آفرین احترام بگذارد. اگر این رویداد مهم از سوی کشنگران دلسوز به خوبی پرورش یافته و صورت‌بندی شود، می‌تواند به تصویری پیش‌برنده برای ترمیم اعتماد و بازسازی سرمایه اجتماعی تبدیل شود. زخم چالش‌هایی که عدم پذیرش آرای مردم و رفتار جریان‌های سیاسی بعد از انتخابات سال ۸۸ بر پیکره مردم سالاری دینی وارد کرد و در پی آن با اقدامات نسنجیده در انتخابات ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ تعمیق کرد، تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر افت اعتماد و سرمایه اجتماعی در میان گروهی از مردم داشت. امروز وقت جریان است. تجزیه تاریخی به خوبی ثابت کرد بزرگ‌ترین حافظ رأی مردم و رکن دفاع از مردم سالاری، ولایت فقیه است.

### کدام پیشرفت و کارآمدی است؟

از ویژگی‌های دیگر این انتخابات، فریاد مردم و تأکیدشان بر میدان داری برای ارزش‌های اصیل انقلاب ازجمله «اعتماد به مردم» است. در هر دو سوی جبهه‌های انتخاباتی مردم به شکل‌های مختلفی نشان دادند صاحب‌تشخیص و اراده‌اند و باید به آنها اعتماد کرد. مردم نشان دادند برای جلب اعتمادشان نیاز به وعده‌های عجیب و برنامه و کارنامه آنچنانی نیست. مردم فریاد زدند، این حکمرانان و کارگزارانند که باید به آنها اعتماد کنند تا مشکلات حل شود. مردم با رأی‌شان گفتند این حکمرانان هستند که باید تنوع و تفاوت‌های میان آنها و دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوت‌شان را بپذیرند و همراه شوند، سپس خواهند دید که مردم نیز چگونه اعتماد کرده و کشور پیشرفت خواهد کرد. مردم تأکید کردند که کارآمدی رضاخانی را نمی‌خواهند، مردم کارآمدی مکتب خمینی (ره) را می‌خواهند. کارآمدی رضاخانی یعنی تحقق آبدانی به هر روش، توجیه و وسیله‌ای، بدون توجه به درک و خواسته مردم از آزادی، عدالت و ارزش‌ها؛ اما کارآمدی در مکتب خمینی(ره)، یعنی آبدانی برای آزادی، عدالت و ارزش‌ها، یعنی کارآمدی در خدمت کرامت انسان‌ها. در کارآمدی رضاخانی، تشخیص امرا و حاکمان از فروشی‌ها رضاخانی یعنی تحقق آبدانی به می‌کرد و مردم در مقام توده‌ای جاهل و عقب‌مانده بودند که قدرت تشخیص نداشته‌ند؛ اما در کارآمدی و آبدانی مکتب خمینی (ره) این مردم هستند که در کنار نخبگان و خیرگان حرف نهایی را درباره آبدانی و کارآمدی می‌زنند. هم اطرافیان رضاخان و هم سربرازان مکتب خمینی (ره) ممکن است مدعی کارآمدی باشند اما تفاوت‌شان در جایی هویدا می‌شود که یکی همه مردم را مجبور می‌کند تا آنچه خودش کارآمدی و توسعه، تشخیص می‌دهد را انتخاب کند و دیگری خود را ملزم می‌کند تا کارآمدی را در خدمت آنچه مردم به عنوان «آزادی، عدالت و کرامت انسانی» می‌دانند، قرار دهد. هر دو مد توسعه و پیشرفت می‌زنند اما یکی می‌خواهد آن را به اجبار برای مردم بیابورد و دیگری آن را با مردم هم‌آفرینی می‌کند.

در مکتب خمینی (ره) مفهوم کارآمدی و پیشرفت کاملاًمتحول شده و پیشرفت براساس «برساخت و آگاهی جمعی» متولد می‌شود و صرفاً ساخت پل، برج و تونل نشانه کارآمدی نخواهد بود، بلکه با هم ساختن، «پیشرفت» محسوب می‌شود. تصویر بیرونی این الگوی پیشرفت می‌تواند در هم‌آفرینی مشترک یک ساختمان و پل پدیدار شود یا از طریق برساخت جمعی یک منجار و ارزش اجتماعی بروز یابد. بنابراین مهم‌ترین مساله حکمرانی می‌شود «چگونگی همگرایی و هم‌آفرینی الگوهای مشترک اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی»، تفاوت دو گزاره مفهومی فوق را که درستی درک شود رفتار نهاد‌های

حاکمیتی در همه قوا؛ روش پاسداری‌شان از انقلاب و چگونگی حمایت‌شان از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی متحول خواهد شد. نهادهای انقلابی در جایگاه حکمرانی ریسک خواهند نشست و امکان سیاست‌ورزی عموم کشنگران را فراهم کرده و هرگونه دخالت در این عرصه را همچون مانعی بر سر تجربه‌گری مردم و ارتقای آگاهی آنها تلقی کرده و بر خود حرام خواهند کرد.

### فرصت‌های حکمرانی

با همه بیم‌ها و امیدها، این انتخابات فرصت بزرگی برای تحول‌خواهی در سپهر سیاسی کشور را فراهم کرده است. یکی از تحلیل‌های امیدبخش این است که قاطبه مردم در همه سال‌های پس از انقلاب، خصوصاً در سال‌های رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، فارغ از جناح و جبهه‌بندی‌ها به افرادی رای داده‌اند که بیشترین تناسب را میان گفتار و رفتار آنها با شعارهای اصیل انقلاب و گفتار ساده و بی‌آلایش امام(ره) یافته‌اند. مرور آرای مردم می‌تواند این ادعا را ارزیابی کند.

هاشمی فرمانده جنگ و دست راست حضرت امام (ره) در بسیاری از امور بود و رأی مردم به وی، رأی مجدد به انقلاب بود. خامنی با شعار «درد بر سه سید فاطمی» و ادعای بازگشت به خط امام و آزادی و عدالت‌خواهی اصیل انقلاب اسلامی رأی آورد. احمدی‌نژاد با شعار بازگشت به اصول و شعارهای انقلاب و خصوصاً عدالت‌خواهی رأی آورد. روحانی به عنوان نماد جایگزین هاشمی‌رفسنجانی و با شعار بازگرداندن قطار به انحراف رفته در دولت احمدی‌نژاد به ریل انقلاب، رأی آورد. شهید رتیبی به عنوان نماد انقلابی‌گری در مقابل محافظه‌کاری و عاقبت‌طلبی، رئیس جمهور شد. پزشکیان با در دست گرفتن نهج‌البلاغه و تأکید بر قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، باگفتار بی‌آلایش و قرین صداقت و سادگی و با شعار بازگشت به اصول و اصلاح رویه‌های غلط و پذیرش تنوع در میان آحاد وفاداران به انقلاب اسلامی و ایران، رأی آورد. از این رو رأی آحاد مردم (منهای اقلیتی از سیاسیون مدعی و خودقله‌پندار که همیشه بوده‌اند و هستند) همواره رأی به تحول‌خواهی در مسیر ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده است. این استواری و پافشاری مردم بر ارزش‌ها، طلیعه‌ای برای تحولات بزرگ است. باید قبول کرد جایگاه حکمرانی موفق سپردن کارها و عرصه سیاست‌ورزی به مردم بوده و وظیفه‌اش تسهیل تعاملات، پاسداری از حاکمیت قانون و پاسخگوگردن کارگزاران است. با این پیش‌فرض، حکمرانی نیازمند بازسازی و متناسب‌سازی زمین بازی و قواعد آن برای تحول است. قواعد بازی باید مستمراً استحکام‌درونی شبکه تعاملات به‌هم‌پیوسته و منسجم بازیگران تنظیم‌گرها) متمرکز شود. یعنی به انواع کشنگران اجازه تجربه‌گری و آزمون و خطا داده تا یاد بگیرند و آگاه شوند. در این شرایط حکمرانی فقط مراقبت می‌کند تا کشنگری‌ها به قیمت حیات بازیگران و زیست‌بوم تمام شوند... همین قدر گشاده‌دست و روادار....

وقتی تنوع پذیرفته‌شد، کارگزاران نیز به یک نفر در کنار دیگران و یک نفر از آحاد مردم تبدیل می‌شوند. برای پذیرش تنوع، لازم نیست کارگزاران و بازیگران از باورهایشان عبور کنند، فقط لازم است به جای اینکه از قله به دیگران نگاه کنند، ببینند در کنار آحاد مردم بنشینند، با آنها قدم بزنند، به آنها گوش بدهند و با آنها همدل شوند... مثل پیامبری که با کفار همنشین می‌شد. خفت‌گو می‌کرد و آنها را همدل و همراه می‌کرد. نتیجه این تواضع، الگوی جذب حداکثری را فراهم کرده و حکومت بر دل‌ها را امکان‌پذیر می‌کند، همان الگویی که به حکمرانی امت-امامت تعبیر می‌شود. در این الگوی حکمرانی، حراست از مرزهای انقلاب اسلامی باکل‌نگری تأویل می‌شود و از ورود به عرصه‌هایی که نقش آفرینی و تجربه کردن مردم را محدود می‌کند، خودداری می‌شود. کارگزاران اگر باور کنند مردم مالک حاکمیت و صاحبان پرچمند، خود را فدایی پرچم تلقی کرده و از خودپرچم‌پنداری خودداری می‌کنند. اینجاست که تفاوت مدل حکومت رضاخانی و الگوی حکومت خمینی (ره) و خامنه‌ای (حفظه‌الله) نمایان‌تر می‌شود. تاروزی که عده‌ای خود را مساوی انقلاب و کشور بداندند از آحاد مردم راتوده‌هایی خام و محتاج دلسوزی بنامند، تا زمانی که عده‌ای خود را بازیگر همه عرصه‌ها و مردم را محتاج بازیگری خود بداندند، تا زمانی که عده‌ای خود را قله و مردم را کوهپایه‌ای در تمنای قله بنامند و تا زمانی که عده‌ای خود را مالک حاکمیت و مردم را رعیتی در دنباله حاکمیت بداندند، رویای حکمرانی مردمی اسلامی تحقق نخواهد یافت. این رویا از مسیر آگاهی عمیق مردم و نقش‌آفرینی و میدان داری آنها محقق خواهد شد. به تعبیر دیگر، امت-امامت وحدتی به‌هم‌پیوسته است که ماهیت تحول‌آفرینش در هنگامه مشارکت آگاهانه و حداکثری مردم پدیدار می‌شود، همان‌طور که در انقلاب اسلامی نمایان شد. مسیری که افق‌گشایی‌اش جان‌های پاک را متقاعد به فداکاری می‌کند. راهی که مردم همچنان باز نگه‌داشته‌اند، خودقله‌پندارها را از آن پس می‌زند و جان‌فداها را به آن فرامی‌خوانند.

## فرهنگ‌نخبگان

# آزاده حکمرانی

[ نقد و بررسی اندیشه‌ها ]

شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۳

شماره ۴۲۰۴

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

# ۱۵